جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید احمد قصیر
کوچه چهاردهم غربی پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۷۵۹ | یک‌شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ | اول ذی‌القعده ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ |
غروب آفتاب: ۱۹:۰۷ | اذان مغرب: ۱۹:۲۷ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۱ | اذان صبح فردا: ۰۳:۱۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۵ |

دیده‌بان

صدور مجوز ۵۷۰ تک آهنگ و ۳۰ آلبوم موسیقی در ۲ ماه

دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز ۵۷۰ تک آهنگ و ۳۰ آلبوم صوتی را طی ماه‌های اسفند ۱۴۰۱ و فروردین ۱۴۰۲ صادر کرد.

دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اسفندماه ۱۴۰۱، مجوز ۳۹۱ تک آهنگ، ۱۹ آلبوم موسیقی، ۲۹ نماهنگ، ۷۵۶ پرونده قطعه شعر و هشت مجوز تأسیس و تمدید استودیوی صدابرداری و مراکز تولید و تکثیر آثار صوتی و تصویری را صادر کرده‌است. در میان تک‌آهنگ‌های مجوز گرفته، ۳۳۶ اثر در ژانر موسیقی پاپ، ۱۸ اثر در ژانر موسیقی تلفیقی، ۱۳ اثر در ژانر موسیقی نواحی، ۹ اثر در ژانر موسیقی سنتی، هشت اثر در ژانر موسیقی کلاسیک، پنج اثر در ژانر موسیقی الکترونیک و دو اثر در قالب رسیتال پیانو تولید شده‌اند.

نماهنگ «دختر ایران» منتشر شد

به مناسبت میلاد حضرت معصومه (س) و روز دختر، نماهنگ «دختر ایران» توسط مؤسسه هنری رسانه‌ای «زامیر» منتشر شد.

نماهنگ «دختر ایران» با صدای عبدالرضا هلالی و سجاد محمدی با همراهی گروه سرود «شمیم یاس» و گروه سرود بانوان «هوران» براساس شعری از سجاد محمدی تولید شده‌است. عوامل سازنده این نماهنگ شامل کارگردان علی زمانی، تهیه‌کننده حسین فراهانی، اجرا گروه سرود «شمیم یاس» و گروه هم‌آوایی بانوان «هوران» می‌شود.

کاهش فروش سینماها به خاطر نمایشگاه کتاب

میزان استقبال هموطنان از سالن‌های سینما در آخرین هفته اردیبهشت ۱۴۰۲ شمسی روند نزولی به خود گرفته‌است.

بررسی اطلاعات ثبت‌شده در سامانه سمفا از میزان فروش هفتگی سینماهای کشور نشان می‌دهد هفته گذشته نسبت به هفته ماقبل آن ایرانی‌ها ۴۴ درصد کمتر سینما رفته‌اند و میزان فروش هم با کاهش ۳۴ درصدی روبه‌رو شده‌است.

بررسی دو هفته پایانی اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ شمسی نشان می‌دهد در مجموع تعداد بلیت‌های فروش رفته هفته آخر اردیبهشت ماه با کاهشی ۴۴ درصدی یعنی ۲۵۷ هزار و ۱۷۹ قطعه بلیت نسبت به هفته ماقبل به رقمی معادل ۳۱۷ هزار و ۳۴۰ قطعه رسیده‌است و در همین حال میزان فروش سینماها نیز روند نزولی به خود گرفته تا جایی که در همین دوره کاهش ۳۴ درصدی دخل سینماها کاملاً محسوس است؛ به صورتی که هفته گذشته سینماهای کشور شاهد کاهش فروش ۸۲ میلیارد و ۲۵۹ میلیون و ۷۷۵ هزار ریالی بوده و معادل ۱۵۴ میلیارد و ۵۷۷ میلیون و ۵۷۵ هزار ریال درآمد کسب کرده‌اند. این روند نزولی در حالی تجربه‌شده که برخی از منتقدان سینما تأکید دارند همزمانی برگزاری سی و چهارمین دوره از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و همچنین تعطیلی سینماها به دلیل شهادت امام صادق(ع) در سه‌شنبه هفته گذشته در این زمینه اثرگذار بوده و احتمالاً در هفته اول خردادماه دوباره شاهد روند صعودی فروش سینماها خواهیم بود.

پویانمایی «موزه» در راه تلویزیون

سری پنجم از پویانمایی «موزه»، در ۲۶ قسمت برای پخش از تلویزیون آماده شده‌است.

پویانمایی «موزه» با تکنیک استاپ موشن، از تولیدات جدید مرکز پویانمایی صباست که به تهیه‌کنندگی نادر یغماییان و کارگردانی مشترک بهروز و آبتین یغماییان ساخته می‌شود.

این مجموعه پویانمایی که تاکنون پنج فصل آن ساخته شده، با هدف معرفی میراث فرهنگی ایران و هنرمندان ایرانی به کودکان تولید می‌شود. قرار است به زودی فصل پنجم این مجموعه پویانمایی از تلویزیون در ۲۶ قسمت پخش شود. هر قسمت از مجموعه پویانمایی «موزه» با نویسندگی محمد شکوهی، با نقشه دزدی از موزه آغاز می‌شود و در نهایت علاوه بر تلاش شخصیت‌های قصه برای حفاظت از آن شیء تاریخی، درباره تاریخچه و قدمت آن میراث فرهنگی توضیحاتی به مخاطب داده می‌شود.

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:

ای فرزند آدم! هرچه بیشتر از مقدار خوراکت به دست آوری، خزانه‌دار دیگران خواهی بود.

مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۴۶

لعنت به این هوش مصنوعی بی‌استعداد!

اعتصاب فیلمنامه‌نویسان هالیوود علیه ChatGPT نشان می‌دهد که یک جنگ تمدنی میان انسان و طرفداران هوش مصنوعی در حال شکل گرفتن است

■ **محمدصادق عابدینی**

«نمی‌خوام هوش مصنوعی جای منو بگیره»، این جمله اعتراضی بخشی از صحبت‌های یکی از اعضای اتحادیه نویسندگان امریکا «WGA» است که هوش مصنوعی را یک رقیب جدی برای آینده شغلی نویسندگان و فیلمنامه‌نویس‌ها می‌دانند.

این روزها بحث استفاده از هوش مصنوعی در بسیاری از زمینه‌ها از پاسخ به سؤالات دانش‌آموزان گرفته تا خلق آثار هنری و بسیاری از حوزه‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته است. تقریباً روزی نیست که یک شیرین‌کاری جدید از سوی هوش مصنوعی رو نشود. آوازخوانی خوانندگان مرده، ساخت ویدئوهای سرگرم‌کننده و حتی پیش‌بینی آینده از جمله کارهایی است که با هوش مصنوعی انجام می‌شود. کافی است در اینترنت جست‌وجوی ساده‌ای انجام دهید و در یک سایت هوش مصنوعی درخواستی را مطرح کنید تا هوش مصنوعی پاسخی شگفت‌انگیز ارائه کند، اما همه این کاربردهای فانتزی روی دیگری هم دارد و آن کاربردی شدن هوش مصنوعی به عنوان یک کارگر، مهندس، معلم، مدیر و همه شغل‌هایی است که یک انسان بااستعداد می‌تواند داشته باشد. آنچه باعث شده امروز فیلمنامه‌نویسان و نویسندگان برنامه‌های رادیو و تلویزیونی در امریکا دست به اعتصاب بزنند، این است که حدس زده‌اند قرار است هوش مصنوعی به‌زودی جای هنر نویسندگی آنها را بگیرد و این به معنای پایان یک کار آب و نان‌دار است.

■ **هوش مصنوعی، خبرنگار و فیلمنامه‌نویس**

تقریباً سه سال پیش بود که نشریه گاردین در یک ساختارشکنی حرفه‌ای گزارشی منتشر کرد که نه یک انسان خبرنگار، بلکه یک ربات هوش مصنوعی نوشته بود. در آن زمان شاید هیچ‌کدام از فیلمنامه‌نویس‌های امریکایی که اتفاقاً به هوش مصنوعی به عنوان یک عنصر مهم در ژانر علمی و تخیلی علاقه‌مند هم هستند به این فکر نمی‌کردند که شاید فرداروزی خواهد رسید که هوش مصنوعی به جای تهیه گزارش‌های خبری بیاید و فیلمنامه بنویسد. در عوض روزنامه‌نگاران خیلی زود هوش مصنوعی را در بین خود پذیرفتند و به جای آنکه از آن بترسند شروع به استفاده از آن کردند. اکنون استفاده از هوش مصنوعی در تهیه اخبار و گزارش‌های خبری به یک پدیده معمول تبدیل شده و پس از فراگیری کرونا در جهان کاربرد آن بیش از پیش مشخص شده است. با این حال پس از آنکه امسال هوش مصنوعی قابلیت‌های بیشتری را از خود به رخ کشید در امریکا میان فیلمنامه‌نویس‌ها بر سر اینکه این دشمن از راه رسیده، می‌تواند کار و کاسبی را به کل تخته کند، ولوله و همهمه‌ای برخاست. اعتصاب سراسری نویسندگان برنامه‌های تلویزیونی و فیلمنامه‌نویس‌ها باعث شد کار تولید برنامه‌های تلویزیونی و ساخت فیلم‌های سینمایی با مشکل روبه‌رو شود. احتمالاً نام «سیلیکون ولی» (Valley Silicon) را شنیده‌اید، محل تجمع غول‌های فناوری در ایالات متحده و جایی که گفته می‌شود این روزها در حال نقشه کشیدن برای خلق ربات‌هایی است که به جای فیلمنامه‌نویس‌ها، درام‌های سینمایی بنویسد. کاری که می‌تواند به نفع شرکت‌های بزرگ فیلمسازی در امریکا باشد. هالیوود سالانه بیش از ۴۰۰ میلیون دلار را خرج تهیه فیلمنامه‌ها می‌کند و از نظر اقتصادی برای مالکان کمپانی‌های فیلمسازی بسیار مطلوب‌تر خواهد بود که این هزینه را با خدمت گرفتن از هوش مصنوعی، صرفه‌جویی کنند. البته سال‌هاست که هالیوود از هوش مصنوعی در بخش‌های فنی تولید فیلم از جمله خلق جلوه‌های ویژه استفاده می‌کند و حتی در سال ۲۰۱۸، کمپانی فیلمسازی مارول در طراحی چهره بازیگران فیلم «Marvel Avengers Infinity Wars» از هوش مصنوعی بهره برد. با این حال هوش مصنوعی می‌خواهد این‌بار به جای خلق چهره، خلق فیلمنامه کند.

پیش‌بینی می‌شود هوش مصنوعی در آینده نه‌چندان دور ۳۰۰ میلیون شغل را از حالت انسان‌محور خارج کند

■ **تو جای ما را می‌گیری!**

آخرین باری که اعضای انجمن نویسندگان امریکا دست به اعتصاب زدند، مسئله افزایش حقوق و دستمزد در میان بود. آنها امسال دوباره دست به اعتصاب زده‌اند تا در بندهای قراردادهای کاری این جمله گنجانده شود که در تهیه فیلمنامه‌ها از هوش مصنوعی استفاده نشود. این خواسته‌ای است که باعث شده یک هفته فیلمنامه‌نویسان و نویسندگان دست از کار بکشند و با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی دست به تجمع بزنند. این اعتصاب با حمایت فیلمسازان مواجه شده و فستیوال فیلم کن در فرانسه نیز به محلی برای ابراز حمایت از این اعتصاب تبدیل شده است. سازندگان قسمت جدید فیلم «ایندیانا جونز»، در نشست رسانه‌ای این فیلم در کن، حمایت خود را از فیلمنامه‌نویس‌ها اعلام و تأکید کرده‌اند که «هیچ فیلمی بدون فیلمنامه عالی خلق نمی‌شود و هیچ فیلمنامه بزرگی بدون نویسنده شکل نمی‌گیرید.» شان پن، بازیگر امریکایی که برای نمایش فیلم «مگس‌های سیاه» در کن حضور دارد هم در دفاع از اعتصاب فیلمنامه‌نویس‌ها گفته است شاید به زودی انجمن بازیگران نیز به اعتصاب نویسندگان بپیوندد.

فیلمنامه‌نویس‌ها می‌گویند همانطور که هوش مصنوعی باعث شد کار طراحان گرافیک کساد شود، قرار است با نسخه‌برداری غیرقانونی از نسخه‌های انسانی فیلمنامه‌ها، ربات‌های هوش مصنوعی متن‌های کپی شده‌ای را که از لحاظ هنری خلاقیتی ندارند تهیه کنند. «مت نیکلاس» یکی از اعضای انجمن نویسندگان امریکا می‌گوید اطلاع دارد که کمپانی‌های فیلمسازی می‌خواهند متن فیلمنامه‌ای را با استفاده از هوش مصنوعی تولید کنند و هرچند نامرغوب آن را به تولید برسانند. با این کار در ابتدا اقتدار نویسندگان از بین می‌رود و از آنها به عنوان مصحح یا بازنویس کننده فیلمنامه هوش مصنوعی استفاده می‌کنند. جاستین بیتمن، بازیگر و تهیه‌کننده سینما در توئیتی با حمایت از اعتصاب فیلمنامه‌نویسان این هشدار را به هم‌صنفان خود داده است که این مبارزه بعداً به بخش‌های آنها هم وارد می‌شود و این یعنی بی‌ارزش کردن تلاش، مهارت و استعداد انسانی به نفع اتوماسیون و سود!

انجمن نویسندگان امریکا با داشتن ۱۱ هزار عضو در حال فشار به شرکت‌های فیلمسازی برای تغییر شرایط قراردادهاست تا از عدم حضور هوش مصنوعی در نگاشتن فیلمنامه‌ها مطمئن شوند و گویا شرکت‌های فیلمسازی فعلاً می‌خواهند در برابر این خواسته از خود نرمش به خرج دهند، اما به نظر می‌رسد همانطور که پیش‌بینی می‌شود در آینده نه‌چندان دور ۳۰۰ میلیون شغل از حالت انسان‌محور خارج و با هوش مصنوعی به صورت خودکار انجام شود و مشخص نیست آیا فیلمنامه‌نویسی هم جزو آن مشاغل خواهد بود یا خیر! با این حال اعتصاب فیلمنامه‌نویسان هالیوود علیه ChatGPT نشان می‌دهد که یک جنگ تمدنی میان انسان و طرفداران هوش مصنوعی در حال شکل گرفتن است.

نما | حسین کشتکار

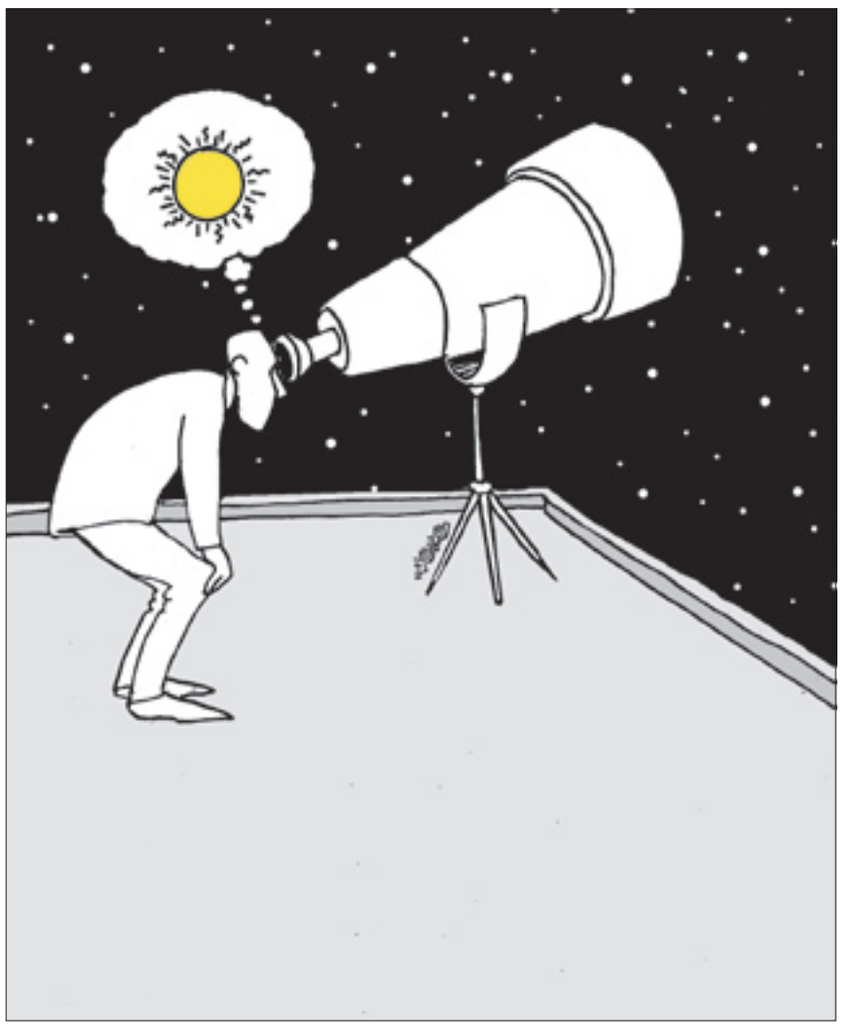

نمایش خانگی

کمدی با داد و فریاد شکل نمی‌گیرد!

دیالوگ‌های سریال سیاه‌چاله تبدیل به تکه‌پرانی‌هایی شده که نمی‌تواند حاصل یک متن نوشته شده باشد، بلکه بداهه‌هایی است که سر صحنه باعث خنده و تصور شده مخاطب هم به آنها می‌خندد!

■ **افشین علیار**

حسین نمازی در دومین فیلم سینمایی‌اش به‌طور نسبی توانست اثری کمدی خلق کند که از جهات مختلف یک کمدی سالم محسوب می‌شد، اما او در اولین سریال نمایش خانگی‌اش، یعنی سیاه‌چاله به هیچ وجه نتوانسته اثری مانند شادروان خلق کند. در این چهار قسمتی که از سریال او پخش شده است، اساساً با یک اثر به شدت سطحی مواجهیم.

سیاه‌چاله در چهار قسمت ثابت کرده یک شبه کمدی بی‌مایه است. ما با فضایی بسیار شلوغ و شلخته مواجهیم که هیچ ربطی به کمدی موقعیت ندارد. موقعیت‌های به وجود آمده آنقدر سطحی و سخیف است که تحمل دیدن آن به مراتب وقت تلف کردن است. نمازی فکر کرده با دیالوگ‌های پی‌درپی که بیشتر آنها سخیف‌گویی یا دیالوگ‌های چندپهلوی جنسی است، می‌تواند مخاطب را بخنداند. فضای به وجود آمده آنقدر شلوغ و الکن است که باعث شده مخاطب سردرد بگیرد. دیالوگ‌هایی که به اصطلاح تکه‌پرانی کوچه و بازار است تبدیل به دیالوگ‌هایی شده که نمی‌تواند حاصل یک متن نوشته شده باشد، بلکه بداهه‌گویی است. بداهه‌ای که سر صحنه باعث خنده و تصور شده مخاطب هم به این دیالوگ‌ها می‌خندد! نمازی سعی کرده موضوع سریالش سیاسی باشد؛ یک خانواده به دلیل بدهکاری و وضعیت نابسامان معیشتی ناچار به استخراج نفت از حیاط خانه پدری‌شان می‌شوند، حالا نفت به عنوان شاکله اصلی سریال باعث شده دیالوگ‌های شبه‌سیاسی هم ردوبدل شود که از اساس سخیف و بیهوده است. به نظر می‌رسد اساساً متنی برای این سریال نوشته نشده و همه چیز براساس بازی بازیگران است که بازی‌های گذشته‌شان را در اینجا هم تکرار می‌کنند. ژاله صامتی انگار همان زیرخاکی را بازی می‌کند. حسن پورشیرازی سریال باخانمان و مهران احمدی چکیده‌ای از تمامی نقش‌های گذشته‌اش است، حتی کارگردان به خودش زحمت نداده از بازیگرانش بازی بگیرد. تمامی آنها جلوی دوربین راه می‌روند و فریاد می‌کشند یا با فحش و طعنه با هم حرف می‌زنند. قطعاً نمازی سعی داشته سیاه‌چاله را براساس کمدی بزن و بکوب (اسلپ‌استیک) بسازد، اما در واقع این جنس از کمدی قواعد خاص خودش را دارد و ایجاد موقعیت‌هایی است که در فیلمنامه نوشته می‌شود. بداهه‌پردازی و دیالوگ‌گویی که با فریاد همراه باشد، اساساً مخاطب را از سریال دلزده می‌کند. موضوع اصلی سریال هم آنقدر برای نمازی اهمیت نداشته و او فقط خواسته مثلاً از واژه گلدرشت نفت استفاده سیاسی کند، اما آنقدر موقعیت‌ها شلوغ و بی‌قاعده است که نمی‌شود مضمون اصلی سریال را فهمید. موقعیت‌های تکراری و باسمه‌ای باعث شده سیاه‌چاله نتواند حتی ذره‌ای به ژانر مورد نظرش نزدیک شود، انگار که با یک اثر تلویزیونی تاریخ مصرف گذشته مواجهیم که اساساً هیچ نوآوری در خلق کمدی در آن یافت نمی‌شود. اگرچه نمازی در فیلم سینمایی شادروان توانسته بود با موقعیت‌های کمدی فقر را به تصویر بکشد، اما در اینجا هیچ تعادلی در ایجاد موقعیت‌ها نمی‌توان یافت. موضوعی که در سیاه‌چاله روایت می‌شود، می‌توانست بکر باشد، اما عدم پردازش صحیح در متن و ایضاً عدم ایجاد یک کمدی سالم باعث شده این سوژه به کل تلف شود. زمانی که فیلمنامه به‌طور منسجم و مکتوب نوشته نشود، وقتی بازی بازیگران اور اکت باشد و واکنش‌های لحظه‌ای آنها تصنعی و غیرقابل باور باشد، نمی‌توانیم از برآیند سریال انتظار خاصی داشته باشیم. این را اضافه کنید که در دیالوگ‌ها و موقعیت‌ها رفتار زننده‌ای شنیده و دیده می‌شود که قطعاً موجب بدآموزی است. از رفتار ناصحیح با ناپدری تا استفاده مکرر از تریاک و طرز کشیدن آن برای مخاطب یک بدآموزی جدی محسوب می‌شود. در اجرا هم نکته خاصی دیده نمی‌شود. با این روند که در این چهار قسمت دیده‌ایم احتمالاً در ادامه هم نمازی نتواند سریالش را از ورطه ابتذال نجات بدهد.

سینما

تهیه‌کننده صاحب‌اندیشه در سینمای ایران نداریم

محمد تقی فهیم: ما هم معتقدیم فیلم باید مفرح باشد اما دست‌کم این فیلم‌ها جزو آثاری باشند که ارزش ۲ بار دیدن را داشته باشند اما تهیه‌کننده‌ای در سینمای ما وجود ندارد که صاحب‌اندیشه باشد

■ **نوید پارسا**

وجه غالب سینمای ما دچار یک نابسامانی و فقدان درک مسائل اجتماعی و تاریخی و جغرافیایی است که جمیع اینها ناشی از فقدان ارزش مطالعه در میان سینماگران است.

محمدتقی فهیم منتقد پیشکسوت سینما با بیان این مطلب گفت: نباید شک کرد که رابطه فیلم خوب و کتاب اثبات شده‌است و این دو در کنار هم می‌توانند منجر به خروجی قابل توجه و ماندگار شوند، اما متأسفانه خیلی از فیلمسازان اصلاً دنبال کتاب نیستند! شاید نهایتاً کتاب‌های انگیزشی که این روزها مد شده را مطالعه کنند، اما ادبیات غنی را نمی‌شناسند و وقتی تهیه‌کننده با این منابع فاصله دارد، بی‌شک باعث افت و نزول جدی سینما می‌شود.

این منتقد سینما که با سینما پرس گفت و گو کرده‌است، در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که در واقع اسکلت و درونمایه سینمای ما فریاد از بی‌سوادی می‌زند و هنگامی که این سینما در مجموع بی‌سواد است، نمی‌توانیم انتظار تولید آثار شاخص و ارزشمند در آن را داشته باشیم! بی‌سوادی‌ای که میان سینماگران وجود دارد، برای این است که بخش اعظمی از آنها اهل مطالعه و تحقیق و پژوهش و جست‌وجوگری برای ارتقای خویش از منظرهای مختلف اندیشه‌ای و آرمانی نیستند.

داور چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر در همین راستا یادآور می‌شود: این در حالی است که در زمان‌های نه‌چندان دور سینمای ایران سرشار از فیلمسازان دغدغه‌مند و با مطالعه بود. حتی بسیاری از فیلمسازان ما که به لحاظ فرمی آثار قابل تأملی ساختند و فیلم‌هایشان ماندگار شد

و مورد توجه قرار گرفت، اهل مطالعه بودند؛ فیلمسازانی مانند درویش، تقوایی، کیمیایی، مهرجویی و حاتمی کیا از جمله این افراد بودند.

به گفته فهیم، اینها اگر امروزه همچنان آثار اولیه‌شان در یادها مانده و خاطره‌ساز شده‌است، به دلیل آن است که اهل کتاب خواندن، مطالعه و تحقیق و پژوهش جدی بودند. اینها افرادی بودند که قبل از فیلمسازشدن هر چه کتاب بود، بلعیده بودند! افرادی مانند کیمیایی قبل از فیلمسازشدن‌شان اغلب رمان‌ها و کتاب‌های مشهور جهانی را خوانده‌بودند و تردیدی نیست که پشت فیلم‌های خوب‌شان مطالعه وجود داشته‌است.

این منتقد سینما سپس با تأکید بر اینکه امروزه بی‌سوادی در سینما موج می‌زند، تصریح کرد: لمپنیزم حاکم بر سینما که بنیان‌کن است و در ابتدا باعث از هم‌گسیختگی سینما و کاهش ارزش‌های سینما شده به دلیل حضور سینماگرانی است که از حرف زدن‌شان تا بقیه نشانه‌های مختلف‌شان نشئت گرفته از بی‌سوادی و نداشتن مطالعه است.

وی متذکر شد: ما وقتی اغلب فیلم‌های خوب دنیا را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم بیشترشان اقتباسی هستند. یعنی فیلمسازان‌شان با ادبیات قرابت و سنخیت داشته‌اند. نویسندگان این آثار دائم در حال کتاب خواندن و مطالعه بودند و همین باعث شده سطح‌شان ارتقا پیدا کند.

این کارشناس فرهنگی در ادامه این گفت‌وگو با بیان اینکه فیلم‌های نازل و سطحی که بر ذائقه زودگذر مخاطب سوارند، ناشی از سازندگانی هستند که برای اندیشه و هنر ارزشی قائل نیستند، تأکید کرد: این افراد به همین جهت تن به ساخت این نوع کارها می‌دهند در صورتی که باید بدانند سینما نباید صرفاً سرگرمی ایجاد کند.

فهیم خاطرنشان کرد: البته که وجه سرگرمی هم در سینما مهم است، اما این سرگرمی باید دراماتیک و نمایشی باشد، نه بر اساس هیجان و تیترهای نازل که مرتب باز تولید می‌شوند و بیشترشان بر اساس مطالب فضای مجازی و جوک‌های پایین تنه‌ای و گرایش‌های لمپنی به تولید می‌رسند که رسماً نشان از بی‌سوادی و کم‌دانشی کارگردانان و تهیه‌کنندگان‌شان است.

وی افزود: مگر تهیه کننده‌ای در سینمای ما وجود دارد که صاحب اندیشه باشد و ما به عنوان نظریه‌پرداز بتوانیم به آنها اتکا کنیم؟ ما معتقدیم باید فیلم مفرح تولید شود، اما دست‌کم این فیلم‌ها جزو آثاری باشند که ارزش دو بار دیدن را داشته‌باشند.

کتاب

در جلسه بررسی کتاب «نهضت شیراز» مطرح شد

گلایه از انحصارطلبی مراکز فرهنگی و صاحبان اسناد

ابتدای انقلاب بد بودن رژیم پهلوی برای مردم ایران بدیهی بود و عناصر فرهنگی نیازی نمی‌دیدند که این حقیقت بدیهی را توضیح دهند. این غفلت که صورت گرفت، موجب شد عرصه برگردد و طرف مقابل بتواند ادبیات‌سازی کند.

حسن روزی‌طلب، مدیر مرکز اسناد انقلاب اسلامی در جلسه بررسی کتاب دایره‌المعارف مصور انقلاب اسلامی با عنوان «نهضت شیراز» که در غرفه مجمع ناشران انقلاب اسلامی در نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد با طرح این سؤال که چرا چنین کتاب‌هایی نوشته نمی‌شود و اگر نوشته می‌شود چرا ۱۰۰ نمی‌گیرد و چرا تاریخ نهضت در شهرهای کشور نگاشته نمی‌شود، عنوان کرد: زمانی رهبر انقلاب بحث مقابله با تطهیر پهلوی را مطرح کردند. من به ایشان هم عرض کردم که دلیل تطهیر پهلوی این است که بد بودن رژیم پهلوی برای مردم ایران بدیهی بود و بعد از انقلاب عناصر فرهنگی نیازی نمی‌دیدند که این عنصر بدیهی را توضیح دهند. این غفلت که صورت گرفت، موجب شد عرصه برگردد و طرف مقابل بتواند ادبیات‌سازی کند. باید با همت جدی‌تری با این غفلت مقابله کنیم.

او درباره انحصارطلبی مراکز فرهنگی و صاحبان اسناد گفت: کارهایی که ما در مراکز تاریخ‌نگاری و فرهنگی در حال انجام آنها هستیم در مقابله با این هجمه‌ای که تاریخ و ادبیاتمان با آن مواجه است، یک به صد است. آن یک کار هم که ما می‌کنیم در آن دچار مشکل هستیم، زیرا اولین چیزی که برایمان مطرح است انحصارطلبی است. برای این پروژه ۳۰۰ ساعت مصاحبه گرفتند. من می‌توانم بگویم نهادهای فرهنگی حداقل ۵ هزار ساعت

مصاحبه گرفته‌اند، اما همه را در پستو گذاشته‌اند و در مواقع لازم انحصارطلبی و سهم‌خواهی می‌کنند.

مدیر مرکز اسناد انقلاب اسلامی عنوان کرد: مثلاً این کتاب به وضوح مشکل عکس دارد و حتی بعضی از عکس‌ها از گوگل دریافت شده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی، روزنامه اطلاعات، کیهان و کتابخانه ملی که عکس وقایع را در اختیار دارند، عکس‌ها را نمی‌دهند. حتی نمی‌شود عکس‌ها را از این مراکز خرید. این تجمیع انحصارها و بدخلقی‌های اداری و اینکه هر گروهی می‌خواهد کار را به نام خودش تمام کند، مهم‌ترین مانع برای نوشتن چنین آثاری است.

محمدعلی صمدی، پژوهشگر انقلاب نیز درباره این کتاب گفت: من زیاد بر مسائل و وقایع شیراز مسلط نیستم که بدانم کم و زیادهای کتاب چیست، ولی هرچه می‌دانستم در کتاب دیدم. اگر بخواهم نمره بدهم، نمره‌ام از نمره آقای روزی‌طلب بیشتر است. این کتاب در قله‌ای می‌ایستد که می‌توان شیرازی‌ها را در شکستن خط در کنار آذری‌ها گذاشت.